بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

هفتاد حدیث ناب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

١-حَقّاً لَم يَكُن لُقمانُ نَبِيّاً ، ولكِن كانَ عَبداً صَمصامَةً ، كَثيرَ التَّفَكُّرِ ، حَسَنَ الظَّنِّ ، أحَبَّ اللهَ فَأَحَبَّهُ ، وضَمِنَ عَلَيهِ بِالحِكمَةِ ، كانَ نائِماً نِصفَ النَّهارِ إذ جاءَهُ نِداءٌ : يا لُقمانُ ، هَل لَكَ أن يَجعَلَكَ اللهُ خَليفَةً فِي الأَرضِ تَحكُمُ بَينَ النّاسِ بِالحَقِّ؟ فَانتَبَهَ فَأَجابَ الصَّوتَ ، فَقالَ : إن يُجبِرني رَبّي قَبِلتُ ، فَإِنّي أعلَمُ إن فَعَلَ ذلِكَ بي أعانَني وعَلَّمَني وعَصَمَني ، وإن خَيَّرَني رَبّي قَبِلتُ العافِيَةَ ولمَ أقبَلِ البَلاءَ . فَقالَتِ المَلائِكَةُ بِصَوتٍ لا يَراهُم : لِمَ يا لُقمانُ؟ قالَ : لِأَنَّ الحاكِمَ بِأَشَدِّ المَنازِلِ وأكدَرِها يَغشاهُ الظُّلمُ مِن كُلِّ مَكانٍ يَنجو ويُعانُ وبِالحَرِيِّ أن يَنجُوَ ، وإن أخطَأَ أخطَأَ طَريقَ الجَنَّةِ ، ومَن يَكُن فِي الدُّنيا ذَليلاً خَيرٌ مِن أن يَكونَ شَريفاً ، ومَن يَختَرِ الدُّنيا عَلَى الآخِرَةِ تَفتِنهُ الدُّنيا ولا يُصيبُ مُلكَ الآخِرَةِ . فَعَجِبَتِ المَلائِكَةُ مِن حُسنِ مَنطِقِهِ ، فَنامَ نَومَةً فَغُطَّ بِالحِكمَةِ غَطّاً فَانتَبَهَ فَتَكَلَّمَ بِها ، ثُمَّ نودِيَ داوُدُ بَعدَهُ فَقَبِلَها ولَم يَشتَرِط شَرطَ لُقمانَ . . . وكانَ لُقمانُ يُؤازِرُهُ بِحِكمَتِهِ وعِلمِهِ ، فَقالَ لَهُ داوُدُ : طوبى لَكَ يا لُقمانُ ، اُوتيتَ الحِكمَةَ وصُرِفَت عَنكَ البَلِيَّةُ ، واُوتِيَ داوُدُ الخِلافَةَ وَابتُلِيَ بِالرَّزِيَّةِ أوِ الفِتنَةِ.

در حقیقت ، لقمان ، پیامبر نبود ؛ لیکن بنده ای بود مصمّم، اندیشه مند و با حُسن ظن . خدا را دوست می داشت . پس خدا نیز او را دوست داشت و حکمت را بر او ضمانت کرد. وسط روز ، خوابیده بود که ناگهان به پذیرش خلافت ، فرا خوانده شد که : «ای لقمان! آیا می خواهی که خداوند ، تو را خلیفه ای در روی زمین قرار دهد تا در میان مردم ، به حق ، داوری کنی ؟» . لقمان ، بیدار شد و در پاسخ گفت : «اگر پروردگارم مرا وادار کند، می پذیرم؛ زیرا می دانم که اگر با من چنین کند . یاری ام می نماید و دانشم می آموزد و از خطا نگاهم می دارد. ولی اگر پروردگارم مرا مخیّر سازد، عافیت را می پذیرم و بلا را نمی پذیرم» . فرشتگانی که نمی دیدشان ، با صدایی به او گفتند: ای لقمان! چرا چنین گفتی؟ گفت: «زیرا حکمران ، در سخت ترین و مشکل ترین مقام ، جای گرفته که ظلم از هر طرف ، بر او احاطه دارد؛ [امکان دارد] خوار شود یا یاری گردد . اگر به صواب داوری کند، امید است که نجات یابد و اگر [در داوری] به خطا رود، راه بهشت را به خطا رفته است. هر کس در دنیا حقیر و بی مقام باشد ، بهتر از این است که صاحب مقام باشد ، و هر کس دنیا را در مقابل آخرت بر گزیند، دنیا او را می آزماید ؛ ولی به پادشاهیِ آخرت ، دست نمی یابد» . فرشتگان از زیباییِ گفتار او ، در شگفت شدند. لقمان ، لحظه ای خوابید و سراسر وجودش آکنده از حکمت شد. پس ، از خواب بیدار شد و [از آن پس]حکیمانه سخن گفت . پس از او، داوود علیه السلام به پذیرش خلافت ، فرا خوانده شد و او آن را

پذیرفت و شرط لقمان را مطرح نکرد... . لقمان با دانش و حکمتش ، داوود را یاری می کرد. داوود گفت: خوشا به حالت ، ای لقمان! به تو حکمت داده شد و بلا از تو دور گردید ؛ ولی به داوود خلافت داده شد و دچار مصیبت و فتنه گردید.

تاريخ مدينة دمشق : ج ١٧ ص ٨٥ ، كنز العمّال : ج ١۴ ص ٣۴ ح ٣٧٨۶۵ ؛ مجمع البيان : ج ٨ ص ۴٩۴ نحوه وراجع : نوادر الاصول : ج ١ ص ٢۴٧ وتفسير القمي : ج ٢ ص ١۶٢.

٢-إنَّ لُقمانَ قالَ لِابنِهِ : يا بُنَيَّ ، عَلَيكَ بِمَجالِسِ العُلَماءِ ، وَاستَمِع كَلامَ الحُكَماءِ ؛ فَإِنَّ اللهَ يُحيِي القَلبَ المَيِّتَ بِنورِ الحِكمَةِ كَما يُحيِي الأَرضَ المَيتَةَ بِوابِلِ المَطَرِ.

لقمان به پسرش گفت: ای پسرم! در مجالس دانشمندان حضور داشته باش، و سخنان حکیمان را بشنو زیرا خداوند دلِ مرده را با نور حکمت ، زنده می کند، چنان که زمینِ مرده را با آب باران حیات می بخشد.

المعجم الكبير : ج ٨ ص ١٩٩ ح ٧٨١٠ ، كنز العمّال : ج ١٠ ص ١٧٠ ح ٢٨٨٨١.

٣-إنَّ لُقمانَ الحَكيمَ قالَ لِابنِهِ وهُوَ يَعِظُهُ : يا بُنَيَّ ، مَن ذَا الَّذِي ابتَغَى اللهَ عَزَّ وجَلَّ فَلَم يَجِدهُ ، ومَن ذَا الَّذي لَجَأَ إلَى اللهِ فَلَم يُدافِع عَنهُ ، أم مَن ذَا الَّذي تَوَكَّلَ عَلَى اللهِ فَلَم يَكفِهِ.

لقمان حکیم، هنگامی که پسرش را موعظه می کرد، به او گفت: ای پسرم! کیست که از خداوند عز و جل سراغ گرفت، ولی او را نیافت؟ و کیست که به خدا پناه بُرد ، ولی خدا از او دفاع نکرد؟ یا کیست که به خدا توکّل کرد ، ولی خدا او را کفایت ننمود؟

كنز الفوائد : ج ٢ ص ۶٨ ، بحار الأنوار : ج ٢٧ ص ١١٢ ح ٨٧.

۴-فَنَيرِزُوا إن قَدَرتُم كُلَّ يَومٍ يَعني تَهادَوا و تَواصَلُوا فِي اللهِ ؛

اگر می توانید هر روز را نوروز کنید ؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید.

. دعائم الإسلام ، ج ٢ ، ص ٣٢۶.

۵-خَيرُ شَرابٍ فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ الْماءُ ؛

بهترین نوشیدنی در دنیا و آخرت آب است.

جامع الصغير ، ج ۱ ، ص ۶۱۹.

۶-المُسلِمونَ شُرَكاءٌ في ثَلاثَ : فِي الماءِ و الكَلاَء وَ النَّارِ ؛

مسلمانان در سه چيز شريك اند : آب ، مرتع ، آتش (مواد سوختى).

ميزان الحكمه ، ۹۶۳۴

۷-الوُضوءُ بِمُدٍّ و الغُسلُ بِصاعٍ و سَيَأتي أقوامٌ بَعدي يَستَقِلّونَ ذلِكَ فَأُولئكَ عَلى خِلافِ سُنَّتي ؛

براى وضوء يك مُدّ (۷۵۰ گرم) و براى غسل يك صاع (۳ كيلو) آب بس است. پس از من گروهى مى آيند كه اين مقدار را كافى نمى دانند ؛ آنها برخلاف سنّت من هستند

الأشعثيات ، ص ۱۶.

۸-سَتَكونَ فِي هذِهِ الأُمَّةِ قَومٌ يَعتَدونَ فِي الطَّهُورِ ؛

به زودى در اين امّت گروهى پديد خواهند آمد كه در استفاده از پاك كننده ها زياده روى مى كنند.

سنن أبى داود ، ج ۱ ، ص ۲۹.

۹-النَّظَرُ في ثَلاثَةِ أشياءٍ عِبادَةٌ : النَّظَرُ فِي وَجهِ الوالِدَينِ و فِي المُصحَفِ و فِي البَحرِ ؛

نگاه كردن به سه چيز عبادت است : به صورت پدر و مادر ، به قرآن و به دريا.

بحار الأنوار ، ج ۱۰ ، ص ۳۶۸.

۱۰-لاتُحرِقُوا النَّخلَ و لاتُغرِقوهُ بِالماءِ و لاتَقطَعُوا شَجَرَةً مُثمِرَةً و لاتُحرِقُوا زَرعا لِأَنَّكُم لاتَدرونَ لَعَلَّكُم تَحتاجُونَ إِلَيهِ ؛

نخل را نسوزانيد و آن را در آب غرق نكنيد . درخت بارور را قطع نكنيد و زراعت را به آتش نكشيد، زيرا شما نمى دانيد ، شايد در آينده به آن نيازمند شويد.

الكافى ، ج ۵ ، ص ۲۹.

۱۱-كُلْ و أنتَ تَشتَهي و أمسِك و أنتَ تَشتَهي ؛

غذا را با اشتها بخور و در حالی که هنوز اشتها داری ، دست از غذا بکش.

بحار الأنوار ، ج ۶۲ ، ص ۲۹۰

۱۲-مَن قَلَّ طُعمُهُ صَحَّ بَطنُهُ و صَفا قَلبُهُ و مَن كَثُرَ طُعمُهُ سَقُمَ بَدنُهُ و قَسا قَلبُهُ ؛

هر کس کم بخورد ، بدنش سالم می ماند و صفای دل می یابد ، و هر که پرخوری کند ، بدنش بیمار و قلبش سخت می شود.

میزان الحکمه ، ح ۵۷۹

۱۳-لبَسُوا مِن ثِيابِكُم البَياضَ ، فَإنَّها مِن خَيرِ ثيابِكُم ؛

لباس های سفید بر تن کنید که از بهترین جامه های شما است.

میزان الحکمه ، ح ۱۸۰۶۱.

۱۴-مَنِ اتَّخَذَ ثَوبا فَلْيُنَظِّفهُ ؛

هر که جامه ای می پوشد ، باید پاکیزه اش نگه دارد.

الکافی ، ج ۶ ، ص ۴۴۱

۱۵-قُلِ الحَقَّ و لاتأخُذكَ فِي اللهِ لَومَةُ لائمٍ ؛

حق را بگو و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری نهراس.

کنزالعمّال ، ح ۴۳۵۵۵

۱۶-مَن قضى لأخيهِ المُؤمِنِ حاجَةً كانَ كَمَن عَبَدَاللهَ دَهرَهُ ؛

کسی که حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد ، مانند کسی است که عمر خود را به عبادت گذرانده باشد.

الأمالی ، طوسی ، ص ۴۸۱

۱۷-مَنْ کانَ یُؤمِنُ بِاللهِ و الیَومِ الآخِرِ فَلْیَفِ إذا وَعَدَ ؛

هر که به خدا و روز معاد ایمان دارد باید به وعده خود عمل کند.

الکافی ، ج ۲ ، ص ۳۶۴.

۱۸-لایَزالُ النّاسُ بِخَیرٍ ما أمَرُوا بِالمَعرُوفِ و نَهَوا عَنِ المُنکَرِ و تَعاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوى ؛

مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند ، و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می رسانند.

تهذیب الأحکام ، ج ۶ ، ص ۱۸۱.

۱۹-أوَّلُ مَن یَدخُلُ الجَنَّةَ شَهِیدٌ ؛

نخستین کسی که وارد بهشت می شود شهید است.

میزان الحکمه ، ح ۲۶۳۵ .

۲۰-مَن سَألَ اللهَ الشَّهادَةَ بِصِدقٍ بَلَّغَهُ اللهُ مَنازِلَ الشُّهَداءِ و إن ماتَ عَلى فِراشِهِ ؛

هر کس صادقانه از خداوند شهادت بخواهد ، خداوند او را به مقام شهیدان می رساند ، هر چند در بستر بمیرد.

میزان الحکمه ، ح ۹۷۸۸ .

۲۱-مَن قُتِلَ دُونَ مالِهِ فَهُوَ شَهیدٌ ؛

هر که در راه [حفظ] مالش کشته شود ، شهید است.

دعائم الاسلام ، ج ۱ ، ص ۳۹۸.

۲۲-مَنِ انتَقَلَ لِيَتَعَلَّمَ عِلما غُفِرَ لَهُ قَبلَ أن يَخطُوَ ؛

آن كه در پى آموختن دانش به راه افتد ، پيش از آن كه گام بردارد ، آمرزيده مى شود.

الجامع الصغير ، ج ۲ ، ص ۵۸۲ .

۲۳-مَن رَدَّ عَن قَومٍ مِنَ المُسلِمينَ عادِيَةَ ماءٍ أونارٍ وَجَبَت لَهُ الجَنَّةُ ؛

كسى كه دسته اى از مسلمانان را از خطر سيل يا آتش سوزى نجات دهد ، بهشت بر او واجب مى شود.

الكافى ، ج ۵ ، ص ۵۵ .

۲۴-أمِطِ الأذى عَنِ طَريقِ المُسلِمينَ فَهُوَ لَكَ صَدَقَةٌ ؛

آنچه را كه موجب آزار مى شود از سر راه مسلمانان دور كن ، كه اين كار براى تو صدقه است.

مسند أحمد ، ج ۴ ، ص ۴۲۳ .

۲۵-دَخَلَ عَبدٌ الجَنَّةَ بِغُصنِ شَوكٍ كانَ عَلى طَريقِ المُسلِمينَ فَأماطَهُ عَنهُ ؛

بنده اى به سبب برداشتن شاخه خارى از سرراه مسلمانان به بهشت رفت.

ميزان الحكمه ، ح ۱۲۶۷۶ .

۲۶-سافِرُوا تَصِحُّوا ؛

سفر كنيد تا سالم باشيد.

بحار الأنوار ، ج ۷۶ ، ص ۲۲۱ .

۲۷-سافِرُوا فَإنَّكُم إنْ لَم تَغنَموا مالاً أفِدتُم عَقلاً ؛

سفر كنيد ، كه اگر در سفر مالى به چنگ نياوريد ، عقل [تجربى]شما فزونى خواهد يافت.

مكارم الأخلاق ، ص ۲۴۰ .

۲۸-لَو يَعلَمُ النّاسُ رَحمَةَ اللهِ لِلمُسافِرِ لَأصبَحَ عَلى ظَهرِ سَفَرٍ ، إنَّ اللهَ بِالمُسافِرِ رَحيمٌ ؛

اگر مردم از رحمت خدا به مسافر آگاه بودند ، همگی بار سفر می بستند . همانا خداوند با مسافر ، مهربان است.

تنبیه الخواطر ، ج ۱ ، ص ۴۱.

۲۹-مِن إجلالِ اللهِ إجلالُ ذِي الشَّيبَةِ المُسلِمِ ؛

از جمله تجلیل خدا ، بزرگداشت مسلمان سپیدموی است.

الکافی ، ج ۲ ، ص ۱۶۵ .

۳۰-وَاللهُ يُحِبُّ إغاثَةَ اللَّهفانِ ؛

خداوند کمك به اندوهگین و یاری خواه را دوست دارد.

الکافی ، ج ۴ ،ص ۲۷

۳۱-مَن عالَ يَتيما حَتّى يَستَغنِيَ أوجَبَ اللهُ لَهُ بِذلكَ الجَنَّةَ ؛

هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز شود ، خداوند ، در برابر ، بهشت را بر او واجب می کند.

۳۲- بحار الأنوار ، ج ۴۲ ،ص ۲۴۸ .

مَن نَصَبَ شَجَرَةً و صَبَرَ عَلى حِفظِها والقِيامِ عَلَيها حَتّى تُثمِرَ كانَ لَهُ في كُلِّ شَیءٍ يُصابُ مِن ثَمَرِها صَدَقَةٌ عِندَاللهِ ؛

هر کس درختی بکارد و در نگهداری آن بکوشد تا میوه دهد ، در برابر هرچه از آن میوه به دست آید ، پاداشی نزد خدا خواهد داشت.

میزان الحکمه ، ح ۹۱۴۳

۳۳-إن قامَتِ السّاعَةُ و فِي يَدِ أحَدِكُم فَسيلَةٌ ، فإنِ استَطاعَ أنْ لايَقومَ حَتّى يَغرِسَها ، فَليَغرِسْها ؛

اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد ، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن را بکارد ، باید آن را بکارد.

كنزالعمّال ، ح ۹۰۵۶ .

۳۴-مَن أمَرَ بِمَعروفٍ أو نَهى عَن مُنكَرٍ أودَلَّ عَلى خَيرٍ أو أشارَ بِهِ فَهُوَ شَريكٌ و مَن أمَرَ بِسوءٍ أودَلَّ عَلَيهِ أو أشارَ بِهِ فَهُوَ شَريكٌ ؛

هر كسى كه به كارى نيك امر كند يا از كارى زشت باز دارد ، يا به كارى خير راهنمايى كند يا حتّى به آن اشاره كند ، [در ثواب آن عمل] شريك است . هر كس به بدى امر كند يا به آن دلالت يا اشاره كند ، او نيز [در گناه عمل]شريك است.

وسائل الشيعه ، ج ۱۶ ، ص ۱۲۴ .

۳۵-نَصرُ المَظلومِ وَ الأمرُ بِالمَعرُوفِ والنَّهيُ عَنِ المُنكَرِ جِهادٌ ؛

يارى رساندن به ستم ديده و امر به معروف و نهى از منكر جهاد در راه خدا است.

جامع الأحاديث ، ص ۱۲۵ .

۳۶-سَيَأتي زَمانٌ عَلى أُمَّتي يأكُلونَ شَيئا اسْمُهُ البَنجُ ، أنا بَريءٌ مِنهُم و هُم بَريئُونَ مِنّي ؛

زمانى فرا مى رسد كه امّت من چيزى به نام «بنگ» استفاده مى كنند . من از اين گروه بيزارم و آنان از من دورند.

مستدرك الوسائل ، ج ۱۷ ، ص ۸۵.

۳۷-مَنِ احتَقَرَ ذَنبَ البَنجِ فَقَد كَفَرَ ؛

كسى كه گناه كشيدن بنگ را ناچيز بشمرد ، كافر است.

همان ، ص ۸۶

۳۸-لا ضَرَرَ و لا ضِرارَ ؛

زيان رساندن به خود و به ديگران ممنوع است.

الكافى ، ج ۵ ، ص ۲۹۲

مَن عامَلَ النّاسَ فَلَم يَظلِمهُم وحَدَّثَهُم فَلَم يَكذِبهُم و وَعَدَهُم فَلَم يُخلِفهُم فَهُوَ مِمَّن كَمُلَت مُروءَتُهُ و طَهُرَت عَدالَتُهُ ؛

هر كه در رفتار خود با مردم به ايشان ستم نكند و به گاه سخن، دروغ نگويد و در وعده خود خلاف نياوَرَد ، مردانگى اش كامل و عدالتش آشكار است.

الخصال ، ص ۲۰۸

۴۰-إنَّ اللهَ يُحِبُّ إذا عَمِلَ أحَدُكُم عَمَلاً أن يُتقِنَهُ ؛

خداوند دوست دارد هرگاه يكى از شما كارى انجام مى دهد ، آن را درست و استوار انجام دهد.

ميزان الحكمه ، ح ۱۴۳۷۱.

۴۱-رُوِیَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله إِذَا رَأَى مِنْ جِسْمِهِ بَثْرَةً عَاذَ بِاللَّهِ وَ اسْتَكَانَ لَهُ وَ جَأَرَ إِلَيْهِ ، فَيُقَالُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُوَ بِبَأْسٍ! فَيَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُعَظِّمَ صَغِيراً عَظَّمَ، وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَغِّرَ عَظِيماً صَغَّرَ.

روایت شده است كه هرگاه رسول خدا صلّی الله علیه و آله در بدنش جوشی را مشاهده می كرد، به خدا پناه مي برد و به او التجا مي كرد. سؤال شد: ای رسول خدا! مگر جوش ، بیماری است؟ مي فرمود: خداوند اگر بخواهد كوچكی را بزرگ كند بزرگ مي كند، و اگر بخواهد بزرگی را كوچك گرداند كوچك مي گرداند.

مكارم الاخلاق،ص۳۵۷

۴۲-حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي اَلْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَرَ اَلْعَدَنِيِّ بِمَكَّةَ عَنْ أَبِي اَلْعَبَّاسِ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَوَّارٍ عَنْ عَبْدِ اَللَّهِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ وَرْدَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : اَلْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ اَلْوَرَقَةُ يَوْمَ اَلْقِيَامَةِ سِتْراً فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اَلنَّارِ وَ أَعْطَاهُ اَللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ اَلدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْعُدُ سَاعَةً عِنْدَ اَلْعَالِمِ إِلاَّ نَادَاهُ رَبُّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَلَسْتَ إِلَى حَبِيبِي وَ عِزَّتِي وَ جَلاَلِي لَأَسْكَنْتُكَ اَلْجَنَّةَ مَعَهُ وَ لاَ أُبَالِي.

پيامبر اكرم (صلى الله عليه و آله) حديث قدسى

رسول خدا فرمود هر مؤمنی بمیرد و يك ورق از او بماند كه دانشی بر آن باشد ورقه روز قیامت میان او و دوزخ پرده شود و خدای تبارك و تعالی بهر حرفی كه در آن نوشته است شهری او دهد كه هفت برابر دنیا باشد مؤمنی نباشد كه يك ساعت نزد عالمی نشیند جز آنكه پروردگارش عز و جل ندا كند نزد حبیبم نشستی بعزت و جلالم سوگند تو را با او ساكن بهشت كنم و و باك ندارم.

الأمالی (للصدوق) / ترجمه كمره ای ; ج ۱ ص ۳۷

۴۳-تَواصَلُوا بِالكُتُبِ و إنْ شَطَّتِ الدِّيارُ

با نامه خود را به يكديگر پيوند دهيد ، اگر چه شهرها از هم دور باشند.

الفردوس ، ج ۲ ، ص ۵۶ .

۴۴-خَيرُ طَعامِكُم الخُبزُ

بهترين غذای شما نان است.

مستدرك الوسائل ، ج ۱۶ ، ص ۳۹۳

۴۵-اِنَّ أطيَبَ طَعامِكُم ما مَسَّتهُ النّارُ

بهترين و پاكيزه ترين خوارك شما غذايی است كه با آتش پخته شود.

مسند أحمد ، ج ۶ ، ص ۲۸۳

۴۶-طَهُورُ الطَّعامِ يَزيدُ فِي الطَّعامِ والدِّينِ و الرِّزقِ

پاكی خوراك بر خوراك ، دين و روزی می افزايد.

كنزالعمّال ، ح ۴۰۷۶۴

۴۷-مَن أرادَ البَقاءَ و لابَقاءَ فَليُباكِرِ الغَداءَ

هر كه خواستار بقا است و [كسی را] بقا نباشد ـ پيش از طلوع خورشيد صبحانه بخورد.

وسائل الشيعه ، ج ۵ ، ص ۶۱

۴۸-المُؤمِنُ القَوِيُّ خَيرٌ و أحَبُّ إلَى اللهِ مِنَ المُؤمِنِ الضَّعيفِ

مؤمنِ نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب تر است از مؤمن ضعیف.

صحیح مسلم ، ج ۸ ، ص ۵۶ .

۴۹-اَحَبُّ اللَّهوِ إلَى اللهِ إجراءُ الخَيلِ و الرَّميُ

بهترین سرگرمی در نزد خدا ، اسب دوانی و تیراندازی است.

کنزالعمّال ، ح ۱۰۸۱۲ .

۵۰-عَلِّمُوا أولادَكُم السِّباحَةَ و الرِّمايَةَ

به فرزندانتان شنا کردن و تیراندازی بیاموزید.

الکافی ، ج ۶ ، ص ۷

۵۱-إنَّ اَحَبَّ الخَلائِقِ إلَى اللهِ شابٌّ حَدَثُ السِّنِّ في صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبابَهُ و جَمالَهُ لِلّهِ و فِي طاعَتِهِ ذلِكَ الَّذي يُباهِي بِهِ الرَّحمنُ مَلائكتَهَ يَقولُ : هذا عَبدِي حَقّا

محبوب ترین خلایق نزد خدا نوجوان خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد . خداوند رحمان به وجود چنین نوجوانی برفرشتگان می بالد و می فرماید : «این است بنده راستین من!

میزان الحکمه ، ح ۹۰۹۶

۵۲-مَن ماتَ و مِيراثُهُ الدَّفاتِرُ و المَحابِرُ وَ جَبَتْ لَهُ الجَنّةُ

هر که بمیرد و میراث او دفتر و مداد باشد ، بهشت بر او واجب می شود.

إرشاد القلوب ، ص ۱۷۶

۵۳-حَرسُ لَيلَةٍ في سَبِيلِ اللهِ عَلى ساحِلِ البَحرِ أفضَلُ مِن صِيامِ رَجُلٍ و قِيامِهِ فِي أهلِهِ ألفَ سَنَةٍ

یك شب نگهبانی در راه خدا بر کرانه دریا ، بهتر از هزار سال نماز و روزه مرد در میان خانواده اش است.

كنزالعمّال ، ح ١٠٥٧٢

۵۴-غَزوَةٌ فِي البَحرِ مِثلُ عَشرِ غَزَواتٍ فِي البَرِّ

يك بار جنگيدن در دريا مانند ده بار جنگيدن در خشكى است.

سنن ابن ماجه ، ج ٢ ، ص ٩٢٨

۵۵-مَن جُرِحَ في سَبيلِ اللهِ جاءَ يَومَ القِيامَةِ ريحُهُ كَريحِ المِسكِ . . . عَلَيهِ طابَعُ الشُّهَداءِ

هر كس در راه خداوند مجروح شود ، در حالى وارد قيامت مى شود كه بويش چون بوى مشك است . . و نشان شهيدان را دارد.

ميزان الحكمه ، ح ٩٨١۴

۵۶-المَهديُ رَجُلٌ مِن وُلدِي وَجهُهُ كَالكَوكَبِ الدُّرّيِّ

مهدى مردى است از فرزندان من كه چهره اش چون اختر تابناك است.

ميزان الحكمه ، ح ١١۶۴

۵۷-المَهدِيُّ طاوُوسُ أهلِ الجَنَّةِ

مهدى طاووس بهشتيان است.

بحار الأنوار ، ج ۵١ ، ص ٩١ .

۵٨-اِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجالِكُمُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ السَّمِحُ الْكَفَّيْنِ النَّقىُّ الطَّرَفَيْنِ البَرُّبِوالِدَيْهِ وَلا يُلْجِى ءُ عِيالَهُ اِلى غَيْرِهِ

به درستى كه از بهترين مردان شما كسى است كه با تقوا، پاك، با سخاوت، حلال زاده،حلال خور، پاكدامن، پرهيزگار از ناسزاگويى باشد و به پدر و مادر خود نيكى كند وخانواده خود را به پناه ديگرى نفرستد.

كافى، ج ٢، ص ۵٧، ح ٧

۵۹-شَرُّ النّاسِ الظّانُّونَ وَ شَرُّ الظّانّینَ المُتَجَسِّسونَ وَ شَرُّ الْمُتَجَسِّسینَالقَوّالونَ وَ شَرُّ القَوّالینَ الهَتّاکونَ

بدترین مردم، بدگمانانند و بدترین بدگمانان تجسس کنندگانند و بدترین تجسسکنندگان بازگو کنندگانند و بدترین بازگو کنندگان پرده درانند.

مستدرك الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷، ح ۱۵

۶۰-خَیْرُکُمْ مَنْ اَطابَ الْکَلامَ وَاَطْعَمَ الطَّعامَ وَ صَلّی بِاللَّیلِ وَالنّاسُ نیامٌ

بهترین شما کسی است که خوش زبان باشد، به دیگران طعام بدهد و هنگامی که مردم در خوابند نماز (شب) بخواند.

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۱

۶۱-خَیْرُ اَهْلِ الدُّنْیا وَ اَهْلِ الْأخِرَةِ اَخْلاقا مَنْ یَعْفو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ مَنْ یُعْطىمَنْ حَرَمَهُ وَ مَنْ یَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ مِنْ ذَوی اَرْحامِهِ وَ اَهْلِ وِلایَتِهِ

بهترین اهل دنیا و آخرت از نظر اخلاق کسی است که اگر کسی به او ستم کرده،عفوش نماید و به کسی که محرومش نموده عطا کند و با خویشاوندان و دوستانش که باوی قطع رابطه کرده اند، رابطه برقرار کند.

مستدرك الوسائل، ج ۹، ص ۱۰،ح ۱۰۰۵۲

۶۲-اِنَّ شَرَّ النّاسِ عِنْدَ اللهِ تَعالی یَوْمَ القیامَةِ عالِمٌ لا یَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ

بدترین مردم نزد خداوند در روز قیامت عالمی است که از علم خود بهره نگیرد.

امالی، الطوسی، ص ۵۲۷

۶۳-خَیْرُ النّاسِ مَنْ نَفَعَ وَ وَصَلَ وَ اَعانَ

بهترین مردم کسی است که مفید باشد، رابطه برقرار کند و یاری دهد.

مستدرك الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۰،ح ۱۴۳۷۶

۶۴-وَاللهُ يُحِبُّ إغاثَةَ اللَّهفانِ

خداوند كمك به اندوهگين و يارى خواه را دوست دارد.

الكافى ، ج ۴ ،ص ۲۷

۶۵-مَن عالَ يَتيما حَتّى يَستَغنِيَ أوجَبَ اللهُ لَهُ بِذلكَ الجَنَّةَ

هر كس يتيمى را سرپرستى كند تا بى نياز شود ، خداوند ، در برابر ، بهشت را بر او واجب مى كند.

بحار الأنوار ، ج ۴۲ ،ص ۲۴۸ .

۶۶-مَن نَصَبَ شَجَرَةً و صَبَرَ عَلى حِفظِها والِقيامِ عَلَيها حَتّى تُثمِرَ كانَ لَهُ في كُلِّ شَى ءٍ يُصابُ مِن ثَمَرِها صَدَقَةٌ عِندَاللهِ

هر كس درختى بكارد و در نگهدارى آن بكوشد تا ميوه دهد ، در برابر هرچه از آن ميوه به دست آيد ، پاداشى نزد خدا خواهد داشت.

ميزان الحكمه ، ح ۹۱۴۳

۶۷-إن قامَتِ السَّاعَةُ و فِي يَدِ أحَدِكُم فَسيلَةٌ ، فإنِ استَطاعَ أنْ لايَقومَ حَتّى يَغرِسَها ، فَليَغرِسْها ؛

اگر قيامت فرا رسد و در دست يكى از شما نهالى باشد ، چنانچه بتواند برنخيزد تا آن را بكارد ، بايد آن را بكارد.

كنزالعمّال ، ح ۹۰۵۶ .

۶۸-مَن أمَرَ بِمَعروفٍ أو نَهى عَن مُنكَرٍ أودَلَّ عَلى خَيرٍ أو أشارَ بِهِ فَهُوَ شَريكٌ و مَن أمَرَ بِسوءٍ أودَلَّ عَلَيهِ أو أشارَ بِهِ فَهُوَ شَريكٌ ؛

هر كسى كه به كارى نيك امر كند يا از كارى زشت باز دارد ، يا به كارى خير راهنمايى كند يا حتّى به آن اشاره كند ، [در ثواب آن عمل] شريك است . هر كس به بدى امر كند يا به آن دلالت يا اشاره كند ، او نيز [در گناه عمل]شريك است.

وسائل الشيعه ، ج ۱۶ ، ص ۱۲۴ .

۶۹-نَصرُ المَظلومِ وَ الأمرُ بِالمَعرُوفِ والنَّهيُ عَنِ المُنكَرِ جِهادٌ ؛

یاری رساندن به ستم دیده و امر به معروف و نهی از منکر جهاد در راه خدا است.

جامع الأحادیث ، ص ۱۲۵ .

۷۰-أعظَمُ النّاسِ قَدرا مَن تَرَكَ مالا یَعنیهِ

ارجمندترین مردم کسی است که آنچه را که برایش سودی ندارد رها کند.

الأمالی ، صدوق ، ص ۷۳ .